

نیروهای تحول طلب و مترقی در گذر از پیچیدگی های مبارزه سیاسی - اجتماعی منطقه، پس از بهار عربی - طیاریزدان پناه لئوکی

مجله هفته Published on مارس 31, 2018



نیروهای تحول طلب و مترقی در گذر از پیچیدگی های مبارزه سیاسی - اجتماعی منطقه، پس از
بهار عربی

طیاریزدان پناه لئوکی

برای درک روشن از وضعیت بسیار دشوار و گاه بغرنج در تدوین برنامه سیاسی ... از جانب نیروهای تحول طلب و میهنی ، در جهت ایجاد تغییر و تحول اجتماعی با سمت گیری دمکراتیک ، که لازمه اش اتحادی فراگیر با نیروها مترقی و مردمی در خاورمیانه بزرگ است، یاد آوری برخی نکات محوری ، در شناخت **حریفان** دور و نزدیک ، ضروری به نظر می رسد



گفتنی ست ، با توجه به درس گرفتن از علل شکست دور نخست جنبش های اجتماعی نوین منطقه ، نام یافته به «بهار عربی» ، در شرایط کنونی که مسابقه تسلیحاتی بین قدرت های بین المللی از سویی ، و به ظاهر ، کشاندن خاورمیانه به رقابت های هسته ای از جانب دیگر 1 ، در جریان است ، به نظر می رسد جنبش منطقه ای نیز با رویکردی تازه ای وارد مرحله دوم شده است که شاخصه اش : حضور وسیع مردمی به ویژه کارگران یدی و فکری ، زنان ، جوانان ، دانشجویان همراه با کشت کاران ست که در همان نخستین پیدایی ، ستون فقرات ارتجاع محوری منطقه را لرزاندند . مورد دیگر ، بنا به شرکت طبقات اجتماعی در این خیزش ، رهبری جنبش مانند دور نخست به دست طبقه متوسط مرفه نیست . اگر چه مهر رهبری نیروهای تحول طلب و میهنی را به طور خاص در خود ندارد منتها خرد جمعی **داد خواهی تحول طلبانه** ، بر روی پیشانی جنبش برجسته است که این نکته بنا به واکنش تند وضع موجود ، موجب وحشت امپراتور و ارتجاع منطقه گردید بنا براین لازم است ، نسبت به قدرت گرفتن راست های افراطی در امریکا ، سر بر آوردن نئونازیها در اروپا ، افزایش بودجه نظامی حول دو محور نوسازی ارتش و ساخت بمب های هسته ای نوین 2 همراه با برنامه تقویت بنیه دفاعی قدرت های جهانی به ویژه بین امریکا و متحدانش در رویارویی با روسیه و چین و هم پیمانانشان که به طور فزاینده ، شدت گرفته ، اندیشه کرد زیرا نشانه ها بی شباهت به دوران جنگ سرد نیست که جهان به سمت دوقطبی شدن پیش می رود ، البته با ویژگی های دوران معاصر که مهم ترین آن ، روسیه است که شوروی سابق نیست و چین که در رویا رویی با شرایط تازه ، از جاه و مقام و تدبیر خاصی برخوردار است که نمونه بارز آن کوشش برای مهار تنش بین دو کره و امریکا از راه های دیپلوماسی ست ، بدین خاطر اقدام به موقع چین در تحت حمایت قرار دادن کره شمالی و دعوت از رهبر آن کشور ، «کیم جونگ اون» پیش از نشست با رئیس جمهور کره جنوبی و امریکا جهت : «حفظ و تحکیم و توسعه دو طرف ... و حفظ صلح و ثبات و پیشرفت منطقه ... برای تداوم دوستی در شرایط جدید ، به عنوان انتخابی راهبردی» 3 بسیار مهم ، نمادین و پر اهمیت جلوه کرد چون به باور : «رئیس شورای امنیت ملی امریکا ، تشدید تنش میان امریکا و کره شمالی و بی توجهی به هشدار های بین الملل همچون چین و روسیه ، خطر وقوع جنگ جهانی سوم را محتمل می کند ، به گفته این مقام امریکایی ، جنگ جهانی آتی قدم به قدم و در مراحل تدریجی ، از طریق تاکتیک های سایبری و ضد ماهواره ای کشور های مهاجم آغاز می شود . حمله سایبری ... مرحله نخست از جنگ جهانی ست در این مرحله زیر ساخت های بنیادی به شدت تحت تاثیر حمله های سایبری قرار می گیرد . پس از آن ، حمله های جداگانه موشکی و بمب افکن ها آغاز می شود ...» 4 بنا به این گزارش ، اهمیت نوسازی بنیه دفاعی و ساخت موشک های بالستیک با حمل کلاهک های هسته ای بیش از پیش بر جسته می شود . همه این ها به طور بدیهی ، تدوین برنامه های نوین سیاسی را متأثر از شرایط تازه می کند 5 .

آشکار است حضور مدام و آزار دهنده ی امپراتور در منطقه ، به منظور حفظ منافع و تقسیم منابع ... ، که به طریق اولی به بازی گرفتن حکومت های استبدادی مابشرمآب خاورمیانه بزرگ را به اشکال مختلف نظامی -

سیاسی در بر دارد ، تزامم مضاعفی ست از حضور دائمی نیروهای آنان و پایگاه های نظامی شان در منطقه ، این بودن خار در چشم ، شاید به نظر ، نکته ای تازه ای نباشد منتها در آرایش قوا کنونی بنا به بیانیه حزب تحول طلب ترکیه در باره حضور نظامی آن کشور در سوریه قابل توجه است .: « که سوریه به یک جنگ داخلی که ماشه آن به طرح های امپریالیستی چکانده شد و تقریباً تمام رگ های ارتجاعی منطقه را فعال کرد ، کشیده است » بیانیه تاکید دارد .: « که دولت حزب عدالت و توسعه [اردوغان] حضور نظامی ناتو در ترکیه را مورد پرسش قرار نمی دهد اما در باره تهدید سوریه سخن می گوید ، که حاکی از ریا کاری آشکار است ... [زیرا [در میان گروه های تروریست در سوریه که دولت حزب عدالت تلاش می کند به عنوان توجیهی برای عملیات نظامی استفاده کند ارتش آزاد سوریه قرار دارد که امروز از نظر نظامی با ترکیه همکاری می کند و سال ها مورد حمایت امریکا بوده است » 6



در باره انواع مناقشه در سوریه بی بی سی در تحلیلی آورده است .: « یک جبهه جدید هم در جنگ سوریه ، بین ایران ، روسیه و ارتش سوریه از یک سو و آمریکا و هم پیمانانش از سوی دیگر ، بر سر کنترل مناطق جنوب شرقی سوریه در همسایگی عراق و از آن جا به سمت ایران بر قرار می کند ... در همین حال امریکایی ها قصد دارند شرق سوریه را به کنترل خود در آورند ... نیویورک تایمز در مقاله ای در همین ارتباط می نویسد : چه کسی بر این منطقه کویری در مرز سوریه مسلط خواهد شد ... با توجه به این که تمامی این نیرو ها در مسیر در گیری با یکدیگر هستند ، تشدید تضاد ها در روز های اخیر ترس در گیری مستقیم بین امریکا و ایران ، و حتی با روسیه را دامن زده است » 7

نکته دیگر « تغییر در رهبری عربستان به نفع نیرو های تند روی افراطی ، و نیز سیاست بیش از پیش دولت راست گرا تجاوز گرا اسرائیل است ، تحریکات این مجموعه ارتجاعی در منطقه خطرات جدی « جنگ احتمالی مستقیم قدرت ها بین المللی و دولت های منطقه را بیش تر دامن می زند که به نحوی گذر از جنگ های نیابتی می

توان تلقی کرد. روشن است. قطب بندی های منطقه ای و جهانی و نظامی شدن خاورمیانه به هیچ وجه به سود مردم منطقه نخواهد بود

نکته دیگر که در تدوین برنامه سیاسی نمی توان فرو گذار کرد ، و به قاعده ، دغدغه همه نیروهای تحول طلب و میهنی منطقه ست گروه های پرتنوع ترور هستند، که اساسا علیه نیروهای دمکراتیک و میهنی ، بنا به نمونه جنگ شش ساله ، سازماندهی و به کار گرفته شده و می شوند . فزون بر این ، می توان دو نیرو دیگر را به این سیاهه افزود، نخست بدیل های «مردم نهاد» که به طور عمده محل استقرار چپ های برگشتی رانت خوار هستند که با درآمد های غیر متعارف به ویژه پولشویی و رباخواری ... عایدی چند سویه ای دارند . این نوکیسه های میلیاردی « که به صورت پادو های امنیتی ، ویروس وار، نقش ترور اندیشه راتوسط مشتکی روشنفکران و اخورده فرصت جو پیگیرند ، اساسا در خدمت آژانس های امنیت بین المللی و قدرت های منطقه ای ، به صورت تشکل ها اجتماعی از : نهاد ها ، بنیادها و کانون های فرهنگی - هنری ... که سیاست « شب پاشی رو چشم ها » را عهده دارند . حضور دایم دارند بنا بر این ، اهمیت شناخت ، **تغییر رویه** و مسیرنهانی شان از آن رو مهم است که با کارت اعتباری گذشته (چپ) به طور دوزبانه ، میدان داری می کنند ، ثروت و سرمایه می نهند و از قبل آن آدم می خردند که به تقریب بنا به داشتن مواضع شناور برای تیره داشتن مناسبات انسانی علیه نیرو های تحول طلب و میهنی ، شبکه ای مخوفند . عناصر مردم دستی آنان در ایجاد این بازار مکاره ، به **طوابعم ولگردهای سیاسی طبقه متوسط اند . که هویت و اعتبار اجتماعی ندارند**

نیرو دیگری که نباید از نظر دور داشت ، اپوزیسیون های دست ساخته برون مرزی امپراتورست که به لحاظ شیوه حضور دارای طیف های قابل توجه اند ، عهده دار مکتب و مذهبی اند . تردیدی نیست در این عرصه ، با وجود خاک پاشی های مدام ابر رسانه های امپراتور در برجسته داشتن حضورشان ، مبارزه ، و رو در رویی نیروهای مترقی و تحول طلب با آنان آسان نخواهد بود بدین خاطر، نیاز به داشتن برنامه ی دقیق و نگاه شفاف در تحلیل اوضاع و شرایط موجود ، جهت اتحاد با احزاب ، گروه ها و سازمان های مردمی ، با هدف های مشترک ، مانند آنچه در برخی کشورهای منطقه در جریان است پر اهمیت به نظر می رسد .

حال با توجه به خطوط مسائل برشمرده شده ، در برابر دشمنان پنهان و آشکار و شناخت هدف های غارتگرانه امپراتوری سرمایه داری جهانی، به سه گزارش که بیانگر ویژگی های مهم این دوره است ، اشاره می شود

نخست گزارش اُکسفام ، انجمن بین المللی برای ریشه کن ساختن فقر و گرسنگی در جهان با عنوان « بحران اقتصادی جهان » 8 است . اُکسفام با برشمردن نتایج کارکرد و گردش تولید و توزیع ثروت در جهان در سالی که گذشت ، ساختار اقتصاد بین المللی را بیمار و ناکار آمد و شکست خورده توصیف کرده « و بر آن است »
نیمی از جمعیت جهان ، در سال 2017 ، از رشد جهانی ، کوچک ترین بهره ای نبرده اند « ضمن بیان این مهم که « کار شایسته مزد است ، نه سرمایه » ، آورده است « 82 در صد ثروت تولید شده در جهان در سال گذشته به جیب یک در صد ثروتمندترین افراد جامعه رفته است ... افزایش شمار میلیاردرها در جهان از سلامت و رونق اقتصاد حکایت نمی کند، بلکه نشان شکست نظام اقتصادی بین المللی ست »

ارزیابی های اُکسفام نشان می دهد که از سال 2010 به این سو ، یعنی دو سال پس از آغاز بحران فراگیر

اقتصادی ، ثروت فراستان جهان به طور متوسط هر سال **13** در صد افزایش داشته است ، در حالی که در این مدت بر دستمزدها تنها دو در صد افزوده شده است . »

شایسته توجه آن که ، چه نظام هایی با دارا بودن چه مدیرانی ، قادر به ایجاد چنین ثروتی کلان برای میلیاردرها هستند . سایت دوئیجه وله با پرداختن به موضوع مورد نظر تحت عنوان « سیری در کارنامه سیاسی دونالد ترامپ در اولین سال زمامداریش »⁹ به ویژگی های مهم شخصیت رئیس جمهوری می پردازد که دارای شاخصه ویژه ای ست از جمله آن که توجه ای به شایستگی های نیروی های «کاربه دست» ندارد بنا بر این افراد «کار آمد» چندان مورد توجه او نیستند تنها خودی ها دارای جایگاه مناسب هستند زیرا « ترامپ با هر پدیده متفاوت ، از سلیقه و عقیده گرفته تا رنگ و نژاد و مذهب مخالف است » بدان خاطر « از سرمایه گذاری در هر کاری و ثروت اندوزی از هر راهی به شهرت رسید ، و فردی ست تاجر مسلک که ظاهرا در اداره بنگاه های مالی و تجاری تجربه زیاد اندوخته ... که با موازین قانونی و اصول اخلاقی همخوان نبوده است . او همان روابط که بی گمان در اداره هتل و کازینو ، با زد و بند های مافیایی کار ساز هستند را با خود به عرصه سیاست آورده و هیچ باکی ندارد که همکاران او سوابق تبهکارانه داشته باشند و ثروت خود را با فساد و خلاف کاری گرد آورده باشند « بنابر این » کنسرن های بزرگ و سهامداران میلیاردر « آگاهانه رو چنین شخصیتی سرمایه گذاری کردند تا وی از « سود های گزاف آنها نگاهد » دوئیجه وله در ادامه می افزاید که او « همکاران خود را با قرار دادهای کوتاه مدت استخدام می کند ترفندی ست که به او امکان می دهد که از سویی کنگره را دور بزند و از سویی دیگر دستش در بر کناری و اخراج افراد باز باشد « این قدرت و فرصت را به یقین « کنسرن ها و سهامداران میلیاردر » در اختیارش گذاشتند زیرا از هر راهی می خواهند به ثروتشان افزوده شود. زیرا ترامپ با « مفاهیم جوامع مدنی ، همبستگی جمعی ، عدالت اجتماعی ، محیط زیست ، پیشرفت علمی و شکوفایی فرهنگی به کلی بیگانه است » دوئیجه وله در ادامه بررسی کارنامه یک ساله او به این نکته نیز می پردازد که « دیوید جانسون که به تازگی زندگی نامه او را (ترامپ) منتشر کرده از همکاران و دستیاران او تصویر هولناکی ارایه می دهد ... که : این موریانه ها ترجیح می دهند در نهان فعالیت کنند ، دور از چشم گستره عمومی جامعه و با مخفی کاری موزیانه ، آنها دانشمندان و پژوهشگران را آزار می دهند و آنها را زیر فشار می گذارند . اسناد و مدارک را پنهان و حتی نابود می کنند « گرد آوردن چنین جمعی دزد ، آدم کش و قاچاقچی با مناسبات مافیایی زیر عنوان راست های افراطی تحت رهبری ترامپ « که از بد ذاتی و شرارت [به خود] می بالد ... و از نابود کردن زندگی افرادی که به او وفادار نباشند لذت می برد ... و در جهت منافع کارتل های پر قدرت و کنسرن های ثروتمند « از انجام هیچ کار ابایی ندارد ، باید بسیار تامل کرد این است که دوئیجه وله نتیجه می گیرد که سیستم لنگ « دمکراسی و نظام اجتماعی امریکا را در دراز مدت به کلپ ثروتمندان باید دید که در آن مردم عادی جز نوکری به اربابان نقشی ندارند» زیرا به نگاه این سایت « به کار گیری این سیاست « پایگاه طبقه متوسط به پایین را به خطر انداخته است . کشور به ثروت عظیمی دست یافته اما از آن برای گسترش رفاه و بهروزی [مردم] استفاده نکرده است ... و ازبیکاری و گرانی و تورم در رنج « اند .



در واقع همان نتیجه ای که در سطح بین المللی اُکسفام ارائه داده است ، دوئیجه وله درباره راست های افراطی مستقر درحاکمیت امریکا تحت مدیریت اجرایی ترامپ بر شمرده است این مشابهت از آن رو ست که سرمایه داری بین المللی نئو لیبرالیسم (جهانی شده) از یک آبشخور ارتزاق می کنند. آنان اعتنایی به آموزش و پرورش ، بهداشت ، خدمات عمومی و امکانات رفاهی مردم ندارند.

دیگر آن که ، در دوره های خاص ، استراتژیست های سرمایه داری بین المللی برای توجیه حضور نظامی - امنیتی ، در مناطق مهم ژئوپلیتیکی « آسیا و اروپا »محملی را بهانه قرار می دهند از جمله آن که پس از جنگ جهانی دوم ، این حضور را « به بهانه ی اشغال احتمالی اروپا و آسیا توسط اتحاد جماهیر شوروی »عنوان می کردند . در دور دوم ، یعنی پس از دوران جنگ سرد و فروپاشی شوروی (1991) ، به بهانه این که ما نمی خواهیم آسیا و اروپا و هم چنین خاورمیانه تحت سیطره یک کشور متخاصم قرار بگیرد «10 جزء برنامه راهبردی شان تعریف می کردند، سومین محمل حضورکه بی بی سی به آن پرداخته آن است که جمیز ماتیس وزیر دفاع امریکا اعلام کرده است: « 11 که در استرا تژی دفاعی جدید امریکا ، این کشور به جای مبارزه با تروریسم بر رقابت با قدرت های بزرگ به عنوان نقطه کانون امنیت ملی امریکا متمرکز خواهد بود . » در باره چرایی چنین تصمیمی گفت: « امریکا در حال از دست دادن برتری نظامی خود در حوزه های مختلف است باید بودجه نظامی خود را بالا ببرد تا بتواند برای جنگ آماده شود » بنا به گزارش بی بی سی « ترامپ به دنبال تقویت بودجه دفاعی در خور برای وزراتخانه خود شد و از اعضای کنگره خواست از کاهش بودجه اتوماتیک در این زمینه پرهیز کنند ... [وی] در خواست 10 در صد بودجه دفاعی را مطرح کرده است « ماخذ تامین بودجه را « کاهش بودجه بخش های دیگر مثل کمک های خارجی » پیشنهاد کرد . بی بی سی در ادامه گزارش می افزاید: « تهدیدها منتشر شده در این سند شباهت هایی به سند استراتژیک باراک اوباما دارد اما اولویت های این تهدیدها متفاوت است و بخش علنی آن چین و روسیه را در راس تهدیدها علیه امنیت ملی امریکا قرار داده است

خبرگزاری مزبور در باره ی این شرایط جدید به گفته وزیر دفاع استناد کرده که « این استراتژی تغییر بنیادینی در نگاه دفاعی امریکا دارد که می گوید : باید به اساس اولویت دادن به آمادگی برای جنگ به ویژه با قدرت های بزرگ بازگشت» در این گزارش مهم ، به سخنانی وزیر دفاع اشاره می کند که « ما به کارزار خود علیه تروریسم ادامه می دهیم ، اما رقابت با قدرت های بزرگ کانون تمرکز امنیتی ملی ما خواهد بود ... ایران و کره شمالی ثبات منطقه ای و جهانی را برهم می زنند » با این حساب ، عرصه آتش افروزی جنگ سالاران امپراتور ، برای سه میدان گسترده برنامه ریزی شده است که از این نشانه گیری های مرگبار ، بوی جنایت سنگین می آید ، بنا براین ، بدیهی ست در این آرایش قوا ، احزاب تحول طلب و مردمی با دو مساله ملی و میهنی مواجه اند هرگونه اشتباه در اتخاذ تصمیم گیری برای تدوین برنامه عواقب خوشی نخواهد داشت . برای نمونه به دو بیانیه از دو حزب تحول طلب ترکیه و سوریه اشاره می شود . دانسته است پیش از آغاز جنگ داخلی در سوریه ، تظاهرات مردمی مسالمت آمیز در این کشور توسط نظام حاکم سرکوب شد منتها سیر حوادث در این کشور از درگیری های داخلی تا جنگ های نیابتی ، طوری رقم خورد که حزب تحول طلب سوریه در بیانیه ای اخیر آورده است : «12 دیروز مقام های ترکیه به جنایت جدید تجاوز وحشیانه علیه شهرسوری عفرین دست زدند که به کشته و زخمی شدن تعدادی از افراد غیرنظامی منجر شد و بمباران به بهانه زدن پایگاه ها تا کنون ادامه دارد... این تجاوز بخشی از زنجیره سیاست هایی است که از سوی رژیم فاشیست اردوغان علیه سوریه دنبال می شود ، که آشکار شده است در تبانی با امریکا و ارتجاع عرب در تلاش های آن برای سرنگونی و ویرانی دولت ملی سوریه به اجرا در می آید ... » اما در بیانیه حزب تحول طلب ترکیه این نگاه (دولت ملی) نسبت به نظام حکومتی مستقر در ترکیه برعکس است . بیانیه از عملیات نظامی دولت ترکیه در روز 21 ژانویه در خاک سوریه چنین یاد شده است : « که سوریه به یک جنگ داخلی که ماشه آن با طرح های امپریالیستی چکانده شد و تقریباً تمام رگ های ارتجاعی منطقه را فعال کرد » کشیده است تلاش نظامی اخیر دولت حزب عدالت و توسعه باید به مثابه یکی از آن طرح ها ، مورد ملاحظه قرار گیرد « در ادامه می افزاید : « عملیات نظامی در سوریه ، که از سوی دولت عدالت و توسعه آغاز شد راه هایی برای گره زدن طرح های اقتصادی و سیاسی خود به برنامه امپریالیسم جستجو می کند در عین حالی که هم زمان از آغاز مامور اجرای وظایف خطرناکی در این برنامه ها بود ، هیچ ربطی به منافع ملی و موضوع امنیت ترکیه ندارد . سوریه از نیروهای ترکیه استقبال نمی کند و عملیات نظامی به طرح های امپریالیستی خدمت می کند که هدف آن تقسیم سوریه برای منافع گوناگون است . « بیانیه ، مردم ترکیه را « به فریب نخوردن با قهرمان گرایی یا عوام فریبی ملی گرا فرا می خواند . « و اضافه می کند که : « سوریه باید از طرح های امپریالیستی ، ستیزه های منافع بین قدرت های بزرگ و قدرت های بنیاد گرای منطقه رها شود» در واقع هر دو حزب از دولت و مردم سوریه دفاع کردند و از سیاست ضد مردمی حزب عدالت و توسعه ، ابراز انزجار کردند . که نوعی اتحاد منطقه ای به حساب می آید و نیز به موضوع ملی و میهنی به طور ظریف پرداختند . این بیداری و حضور در گرفتن تصمیم منطقه ای برای ایجاد وحدت فراگیر ، بسیار پراهمیت است همان طور که به طور خاص در عراق نیروهای تحول طلب و میهنی در چارچوب عراقی متحد ، دمکراتیک با حکومتی فدرالی در اتحاد با نیروهای باورمند ، برنامه ریزی کردند

لازم به نظر می رسد ، درباره ی ضرورت اتحاد نیروی های تحول طلب و مردمی در منطقه ، به اسناد منتشر شده از استراتژی دفاعی امریکا که مورد استناد خبر گزارها از جمله بی بی سی قرار گرفته ، به عنوان یک

هشدار جدی، اشاره شود. در سند های منتشر شده آمده است « استراتژی دفاعی امریکا به دنبال بزرگتر و آماده تر کردن قدرت نظامی امریکا و تقویت ائتلاف این کشور با متحدان خاورمیانه و آسیایی این کشور است. [بخوان حکومت های ارتجاعی مانند عربستان و کره جنوبی ...] این استراتژی در عین حال از ایده آماده کردن نیروی های نظامی امریکا برای جنگ از پایگاه های نظامی کوچک تر و پراکنده تر و همین طور سرمایه گذاری در تجهیزات روباتیک و مدرنیزه کردن تسلیحات هسته ای و موشکی امریکاست تا برای احتمال مقابله نظامی با چین یا روسیه آماده باشد. « در ادامه افزود: « سخنان میتس اگرچه نخستین بار از چشم انداز دولت ترامپ در سیاست خارجی و استراتژی دفاعی او خبر می دهد اما در حقیقت تکرار دکترینی است که باراک اوباما آن را بارها رسماً اعلام کرده بود اما بهار عربی و ظهور داعش عملی کردن آن را با تاخیر و اختلال روبرو کرد. «13 اگر این تحلیل پذیرفته شود. باید این نگاه را ارائه داد که بهار عربی به عنوان جنبش اجتماعی نوین در خاورمیانه بزرگ، طرح نظامی گسترده امپراتور را به تاخیر انداخت و داعش با پیدایی این جنبش، تولد ناگزیری داشت تا مسیر تحول مردمی را به انحراف بکشد اکنون که بهار عربی شدیداً سرکوب شد وجود داعش به طریق اولی ضرورتی محوری ندارد. با این افزوده که نباید آن را خاتمه یافته تلقی کرد و نیز از احتمال رونمایی گروه تروریستی تازه غافل بود مانند آنچه که طالبان و القاعده ایفا کردند



گفتنی ست، بی بی سی در تایید ادعا خود در بخش دیگر این گزارش به سخنانی اوباما در نوامبر سال 2011 در پارلمان استرالیا می پردازد که: « سیاست خارجی ما از این پس به جای جنگ با تروریسم بر چالش های امنیتی و اقتصادی در منطقه آسیا، اقیانوسیه متمرکز خواهد شد. « این دکترین جدید را باراک اوباما از زمان ورود به کاخ سفید مد نظر داشت و خانم کلینتون وزیر وقت خارجه امریکا بارها از آن یاد کرده بود مانند یاد داشت خانم کلینتون در نشریه فارن پالیسی در اکتبر 2011 که این چنین آغاز می کند « آینده سیاست جهانی در آسیا شکل می گیرد نه در افغانستان و عراق. « با چشم انداز ارائه شده می توان این نظر را مطرح کرد شاید استراتژی تازه امپراتور را اوباما تئوریزه کرده باشد منتهی اجرای آن، با پرنسیبی که اوباما داشت نمی توانست عملیاتی کند بنا براین فردی کازینویی با یاران تبهکارش، در چارچوب فعالیت های عریان مافیایی یعنی ترامپ جهت اجرا در راس آن قرار گرفت زیرا ضرورت زمان و ارتقاعی که سرمایه داری مالی - نظامی جهانی به آن دست یافت حضور او را اجتناب نا پذیر کرد. این روند شاید در تمام کشورهای سرمایه داری فرا صنعتی صادق نباشد منتها در آن راستا تجهیز می شوند. بنا بر این برخی اختلاف نظرها

موجود بین اتحادیه اروپا و آمریکا باید قابل درک باشد، همان طور که صف آراییی رهبران اروپا در اتحاد با آمریکا علیه روسیه به بهانه مرگ جاسوس دوجانبه روس 14، نکته ساده ای نیست. و نیز حمایت همه جانبه چین از حکومت مردمی کره شمالی نمی تواند تصادفی باشد.

فروردین 97

زیر نویس



1- پاکستان در جستجوی باز دارندگی استراتژیک در مقابل هند، همکاری نزدیکی با چین برقرار کرد. چین به پاکستان موشک فروخت و نقشه ساخت کلاهک اتمی در اختیار این کشور گذاشت. عبدالله خان، دانشمند پاکستانی، از سوی سازمان های اطلاعاتی غربی به فروش دانش اتمی و سانتریفوژهای غنی سازی اورانیوم به لیبی و کره شمالی ... متهم شد. همچنین گفته می شود که عبدالقدیر خان نقشه ساخت سلاح اتمی چینی ها را در اختیار این کشورها قرار داده است

با توجه به این شواهد، در همان دهه 1990 هم ادعاهایی در باره توافق اتمی عربستان و پاکستان مطرح شد ... ژنرال فیروز حسن خان در کتاب هسته ای پاکستان می نویسد: «عربستان سعودی کمک های مالی سخاوتمندانه ای به پاکستان کرد و این کمک ها امکان ادامه برنامه اتمی پاکستان را فراهم ساخت»

بنا بر یکی از تلگرام های وزارت خارجه آمریکا که توسط ویکی لیکس فاش شده (2007)، [از قول دیپلومات های پاکستانی نوشت: «این که عربستان به عنوان حافظ فیزیکی جهان عرب به دنبال دستیابی به سلاح اتمی باشد، منطقی است» ... ملک عبدالله پادشاه عربستان در سال 2009 به دنیس راس، فرستاده ویژه آمریکا به خاور میانه، هشدار داد که اگر ایران از مرز معینی عبور کند: «ما سراغ سلاح های اتمی خواهیم رفت» و علائم زیادی از جدی بودن عربستان در رسیدن به این هدف وجود دارد. «مارک اربن، دبیر دیپلوماتیک و امور دفاعی برنامه نیوز نایت بی بی سی، 17 آبان 1392

2-دکترین جدید پنتاگون در باره وضعیت هسته ای آمریکا که روز جمعه 13 بهمن 1396 انتشار یافت از جمله اعلام شده است که آمریکا در نظر دارد زراد خانه هسته ای خود را با تولید بمب های هسته ای کوچک تر **نوسازی** نماید. در گزارش 70 صفحه ای دکترین هسته ای آمریکا گفته می شود اگر چه بمب های کوچک تر قدرت تخریبی کمتری دارند اما از قدرت بازدارندگی بیشتری برخوردارند. «سایت صدای فرانسه

17/11/96

چین و روسیه از این استراتژی انتقاد کرده و آمریکا را فرا خواندند که از بازگشت به «اندیشه جنگ سرد» خود داری کند ... در دکترین جدید آمریکا توجه خاصی به جایگاه هسته ای دو کشور روسیه و چین شده است. واشنگتن معتقد است: روسیه، چین و کره شمالی بر عکس آمریکا، به میزان سلاح های هسته ای خود افزودند. روسیه این سند را پر از «کلیشه های ضد روسی» دانسته و بر این باور است که: آمریکا با ایت

استراتژی می‌کوشد « حق روسیه برای دفاع اضطراری را زیر سوال ببرد. » در سند پنتاگون از برنامه هسته ای کره شمالی ، ایران و چین سخن رفته است اما محور اصلی آن روسیه است . دوئجه وله 14/11/96

تسلیمات هسته ای امریکا در زمین ، هوا و دریا مستقر است ... ارتش امریکا در گزارش از وضعیت هسته ای ، پیش نهاد داده است که برای اهدافی از جمله مقابله با روسیه زراد خانه هسته ای ایالات متحده متنوع تر و بمب های کوچک تر تولید کند . موضع گیری های جنگی امریکا در قبال روسیه هم چنان تندتر از قبل می شود « بی بی سی 96 / 14 / 11

« روسیه خنجر دولب ، موشک هایپر سونیک تازه خود را آزمایش کرد . سرعت موشک کینژال ده برابر سرعت صوت (ده ماخ) است و دو هزار کیلومتر برد و قابلیت حمل کلاهک هسته ای هم دارد آزمایش این موشک موفقیت آمیز بود و وزارت خارجه امریکا از آزمایش این موشک انتقاد کرد و گفت یک کشور مسئول چنین رفتاری نمی کند « بی بی سی در ادامه این گزارش آورده است : « روسیه علاوه بر این موشک هایپر سونیک ، به هواپیما مافوق صوت و زیر دریایی بدون سر نشین « مجهز است » . بی بی سی 20/12/96

2- در بیانیه حزب تحول طلب ترکیه در باره عملیات نظامی دولت ترکیه در خاک سوریه آمده است : « سوریه به یک جنگ داخلی که ماشه آن با طرح های امپراتوری چکانده شد و تقریباً تمام رگ های ارتجاعی منطقه را فعال کرد کشیده شد ... عملیات نظامی دولت ترکیه در خاک سوریه ... برای گره زدن طرح های اقتصادی و سیاسی خود به برنامه های امپراتور است هیچ ربطی به منافع ملی و موضوع امنیت ترکیه ندارد . « بیانیه تاکید می کند : « سوریه باید از طرح های امپراتور ، ستیزه های منافع بین قدرت های بزرگ و قدرت های بنیاد گرا رها شود . « 5/11/96

گفتنی ست حزب تحول طلب سوریه نیز در ارتباط با تجاوز دولت ترکیه علیه سوریه (شهر عفرین) بیانیه داد که : « این تجاوز بخشی از زنجیره سیاست هایی است که از سوی رژیم فاشیستی اردوغان علیه سوریه دنبال می شود . آشکار شده است در تبانی با امریکا و ارتجاع عرب در تلاش های آن برای سرنگونی و ویرانی دولت ملی سوریه به اجرا در می آید ... « 6/11/96

« در گیری میان شبه نظامیان کرد با ارتش ترکیه در بسیاری از نقاط عفرین سوریه ادامه دارد مخصوصاً به خاطر اهمیت استراتژیک تپه کاستال ... یک زن کرد به نام زیلوخ خاما ملقب به آفستا خابورخود را در مقابل نیروهای ترکیه ای در این شهر منفجر کرد که این امر به کشته شدن افرادی که در تانک بودند انجامید « خبر گزاری اسپوتنیک 8/11/96

3- سایت صدای چین 8/1/97

4- اسپوتنیک روسیه ، به نقل از اکسپرس ، 96 / 12 / 11

5- بی بی سی طی گزارشی در باره گسترش جریان های تند رو در خاور میانه ... از جانب عربستان ... آورده است : « عربستان با ترویج قرائت وهابی از اسلام ، نقش برجسته ای در تامین ساختار نظری گروه های

تند رو در منطقه داشته است . بخش عمده ای از گروه های تروریستی پدید آمده در دهه های اخیر به طور رسمی به قرائت وهابی از اسلام استناد کرده و بر مبنای آن فعالیت می کنند . استناد به گفته های رهبران برجسته سلفی وهابیت مانند ابن تیمیه ، ابن قیم و محمد ابن عبدالوهاب به طور فراوان در تعالیم گروه هایی چون القاعده و داعش یافت می شود . مدارس دینی مورد حمایت عربستان در کشورهای مختلف جهان از جمله پاکستان به طور رسمی عامل ترویج تندروی اسلامی و مشوق تروریسم اسلامی بوده است . علاوه بر همه این ها ، عربستان سعودی به طور رسمی و حمایت امریکا حامی مجاهدین در افغانستان بود که در دهه 1980 با [آن رژیم] می جنگید این گروه بعدها میزبان القاعده و رهبر آن اسامه بن لادن گشته و زمینه پیدایش طالبان شدند (4 فروردین 97)

6- 5/11/96 . خبر گزاری اسپوتنیک روسیه در مورد عملیات نظامی ترکیه علیه تشکیلات نظامی کرد ها که در 20 ژانویه 2018 صورت گرفت آورده است : « ترکیه از ابتدای هفته جاری به بهانه مقابله با گروه های مسلح کرد سوری یورش به خاک سوریه را آغاز کرده است . « در این گزارش از قول وزیر امور خارجه انگلیس در حمایت از یورش ترکیه علیه کرد ها در خاک سوریه آمده است : « از نزدیک تحولات عفرین را دنبال می کنیم . این حق ترکیه است که مرزهایش را امن کند » سایت صدای دوئیجه وله در این باره آورده است : « شهر عفرین از سال 2012 تاکنون تحت کنترل نیروهای کرد و « یگان های مدافع خلق » قرار دارد « دولت ترکیه یگان های مدافع خلق را یک گروه تروریستی می داند که با حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) در ارتباط است این در حالیست که یگان های مدافع خلق در شمار متحدان اصلی امریکا در جنگ علیه نیروهای وابسته به داعش هستند ... ترکیه بر آن است که پس از تصرف عفرین ، به مبارزه با یگان های مدافع خلق در منیج ، کوبانی ، تل ابیض ، راس العین و قامشلی ادامه دهد . « اردوغان از این که ترکیه عضو پیمان ناتو است و در عملیات نظامی ناتو در افغانستان ، سومالی و بالکان مشارکت داشته خواهان آن شد که : « حالا نوبت ناتو است که از عملیات ترکیه در سوریه حمایت کند . « دوئیجه وله فارسی 20/12/96

سایت صدای امریکا در مورد حمله ترکیه به خاک سوریه نوشت « خبر گزاری رویتر در پایان دیدار وزیر خارجه ایالات متحده از ترکیه ، گزارش داد که تیلرسون به اردوغان گفته است که دولت امریکا حق برخورداری ترکیه از امنیت در مرزهای خود را به رسمیت می شناسد . « 28/11/96

7- 7 تیر 96

8- سایت صدای فرانسه 2 بهمن 96

9- 96 /1/11

10- مجله هفته بهار عربی ، تقبیح یا تحسین ، اثر : طیار یزدان پناه لموکی 14 ماه مه 2017

11- بی بی سی 30 دی 96

12- 4/11/96

13- 96 / 30 / 10 . « درباره سفر وزیر امور خارجه امريكا (ركس تيلر سون) به خاورميانه سايت
صدای امريكا تحليلی روشن از اهداف اين سفر را بيان داشت از جمله آن كه : « هدف عمده [اين سفر] ايجاد
نظم نوين در خاورميانه ، پس از سرکوب كامل داعش است . ولی با استناد به سياستی كه از جانب پريزیدنت
ترامپ تعيين گرديده ، چارچوب کلی سفر بسيار بزرگتر بود و آن ايجاد نظم جديد برای سرکوب هرنوع خشونت
و زورمندی در خاورميانه بود . » 28/11/96

اين گزارش تحليلی از سياست آمريكا در منطقه ، مويد نگاه كريستوفر بلاك وکیل کيفری كانادایی ست كه آورده
است : « ما (امريكا) نقش خود را در جاگاه بزرگترین دولت تروريست حفظ خواهيم کرد ... تا مطمئن
شویم جهان در راستای منافع ما عمل می کند » 10/12/94 مجله هفته 20 فوریه 2018

14- در جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد كه ديروز چهارشنبه 14 مارس 2018 (23
اسفند) بر گزار شد ، واسیلی نبنز ، نماينده روسيه در سازمان ملل ، تلویحا دولت بریتانیا و متحدانش از جمله
آمريكا را مسئول دانست و گفت سرگی اسکرپپال « بهترین قربانی بود برای توجیه یک دروغ غير قابل توجیه »
نماينده روسيه در ادامه افزود « من می توانم به چندین کشور فکر کنم كه از اين ماجرا و مقصر جلوه دادن
روسيه نفع می برند »

ترزا می نخست وزير بریتانیا در پارلمان اين کشور گفت كه سرگی اسکرپپال و دخترش يوليا با سم اعصاب
جنگی كه در روسيه توليد می شود [در 4 مارس 2018] در شهر سالزبری جنوب بریتانیا مسموم شده اند
به احتمال زياد روسيه مسئول اين حمله است . بی بی سی 25 اسفند 96

« وزير امور خارجه بریتانیا در روز جمعه گفت به احتمال بسيار بالا شخص ولاديمير پورتين دستور حمله با
گاز اعصاب را داده است » بی بی سی 26/12/96

مفسران و کاربران شبکه های اجتماعی روسيه به اين كه به روسيه اتهام زده شده كه در مسموم کردن
اسکرپپال و دخترش در بریتانیا دخالت داشته را رد کرده اند و آن را توطئه ای عليه کشورشان می دانند .
سفارت روسيه در لندن در تویتر خود نوشت : « روسيه در سال 1992 به تمام برنامه های تسليحات هسته
ای خود پايان داد . بعضی دانشمندان روس به غرب از جمله بریتانیا رفتند و به تحقیقات خود ادامه دادند .
يعنی خود بریتانیا هم می تواند اين سم مشکوک اعصاب را توليد کند . » بی بی سی 25/12/96

دوئجه وله با انتشار خبری مبنی بر اين كه « رهبران سياسی آمريكا و بریتانیا اعلام کردند كه در صد
نابودی شبکه های جاسوسی روسيه هستيم » نوشت « بنا بر آخرين تحقیقات سرگی اسکرپپال ، جاسوس دو
جانبه روس تبار و دخترش به احتمال زياد در منزل خود مسموم شده اند [زیرا] کار شناسان ، بیش ترين
میزان بقایای سم اعصاب را كه باعث مسمومیت جاسوس دوجانبه روس تبار و دخترش شده ، در چارچوب در
خروجی منزل آن ها یافته اند » در ادامه اين گزارش آمده است : « تاکنون 26 کشور در واکنش به اين
سوقصد 150 ديپلومات روس را اخراج کردند . » 9/1/97